

PART II EXAMINATION OF THE ORIENTAL STUDIES TRIPOS

Middle Eastern and Islamic Studies

Friday 28 May 2010

09.00 - 12.00

Is 19 PERSIAN LITERATURE, 3

*Answer **three** questions; **two** from Section A and **one** from Section B.*

STATIONERY REQUIREMENTS

*20 page Answer Book x 1
A Rough Work Pad*

SPECIAL REQUIREMENTS

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed that you may do so by the Invigilator

SECTION A Answer **two** of the following questions.

1 Translate this seen passage [for 20 marks] and comment on (a) the role of *taubeh* in the mystical path and (b) the significance of some of the narrative elements of Ahmad's account [15 marks].

ازین عجب فرو ماندم و از حریفان
 نهان داشتم و از جای دیگر سبوی^۱ خمر حاصل کردم و در پیش ایشان نهادم و من
 بتعجیل تمام دراز گوش در پیش کردم و بجانب رز رفتم و خمر طلب داشتم و خمها بر
 قرار یافتم. چون دراز گوش بار کردم دراز گوش در رفتن کندی عظیم می کرد و من
 دراز گوش را سخت می رنجانیدم تا زودتر باز آیم [که] دل بحریفان معلق داشتم.
 ناگاه آواز شنیدم که بگوش می رسید که « ای احمد آن حیوان را چه رنجه می
 داری؟ ما او را فرمان نمی دهیم که برود، تو از شحنه عذر می خواهی از تو قبول
 نمی کند، چرا از ما عذر نمی خواهی تا از تو قبول کنیم؟ » هیبتی عظیم بر من زد،
 روی بر زمین نهادم [و] گفتم « الهی توبه کردم که بعد ازین خمر نخورم و هیچ کاری
 ناشایست از من در وجود نیاید، این دراز گوش را فرمان ده تا برود تا در روی آن
 قوم خجل نگردم ». دراز گوش روان شد. چون باز رسیدم و خمر در پیش بردم
 قدحی پر کردند و پیش من داشتند. من فرانسدم، گفتم که توبه کردم دیگر خمر
 نخورم. حریفان گفتند: احمد بر ما می خندی یا بر خود؟ الحاح می کردند. ناگاه
 آواز شنیدم که بگوش من رسید که « یا احمد بستان و بچش و ازین قدح همه را
 بچشان ». بستدم و بچشیدم، بقدرت ایزد تعالی غسل شده بود، تا تمامت حاضرانرا
 از آن قدح بچشانیدم همه در حال توبه کردند و نعره ها زدند و از هم بپرا کردند و
 هر کسی روی بکار خیر نهادند. و من واله وار روی بکوه نهادم و بعبادت و ریاضت
 مشغول شدم. سبب توبه من این بود که گفته آمد، وباللہ التوفیق ».

2 Translate this seen passage [for 20 marks] and comment on (a) the literary methods employed to achieve the author's intentions and (b) the importance of such passages for insight into the socio-religious milieu of the period [15 marks].

غرض سلطان آن بود که شیخ امیر قتلغشاه را و مریدان شیخ زاهد را با وی نماید که طریقه ورع و تقوی کجاست. و چون سفره بکشیدند، سلطان و قتلغشاه برپائی به خدمت فقرا باستادند و نظاره می کردند که کدام است که دست به سفره می کشد و کدام است که نمی کشد. آن شیخ نام خوش بی فکر دست به سفره کرد و به رغبت تمام می خورد، و شیخ صفی الدین دست باز کشید و به سفره دراز نکرد.

شعر

آن دست که دستگاه تقوی بودی انگشت به مردار کجا آلودی؟
 اما شیخزاده جمال الدین علی توهم کرد که اولی آن باشد که جهت خاطر سلطان انگشت بر نان باید نهادن. چون خواست که دست نزدیک سفره بزد، شیخ از پنهان دست بگرفت و باز کشید. چون سلطان دید که جماعت مریدان شیخ زاهد دست به سفره نمی کنند و آن شیخ نام و دیگران خوش می خورند، از سر ذوق در رقص رفت و بغلها بگشاد و دست برافشاند و با امیر قتلغشاه گفت: «نظر کن، مریدان شیخ من نمی خورند و شیخ تو خوش می خورد. و ما مرید و معتقد این جماعت به سبب تقوی و ورع می شویم. چون در ایشان ورع و تقوی نباشد و نان ما خورند، فرق میان ما و ایشان چه باشد؟»

شعر

هر که او نان طمع بر نمک شاهان شود شوربختی ست زیانکار کرا دارد سود
 آن گاه سلطان غازان قوالان را طلب فرمود تا سماع کنند. و برتخت نشست و شمشیر برهنه بر کنار نهاد و فرمود که «هر که به سماع برخیزد سرش بردارم و بدین شمشیرش به دو پاره دهم کردن.»

3 Translate this seen passage [for 20 marks] and comment on the author's treatment of the episode [15 marks].

القصة¹ بعد ازو خواجه رشید را نیز که
وزیری کامل و باصابت رای و ادراك اشیا² مثبت و مكانت بزرجمهری³
داشت، معارضات هم در حق او سعایتی نمودند و او را نیز بهمتی فاسد
منسوب و متهم گردانیدند و در آن تهمت کرد غرایب بر حاشیة عمل
او نشست، عرصه فرسخ کیتی بر اوتنك كشت و مرکب رهوار سعادتش
لنك شد و مدت عمرش باآخر کشید و برید اجلش در رسید و گمان
كان او چنان سست شد که يك ناوك تدبیرش بهدف صواب⁴ نرسید
و چون اجل تاختن آورد کفایتش سود نداشت و بتیغ جان فرسای وداع
تن کرد، شعر⁵:

اری هم المرء اکتیاباً و حرةً علیه اذا لم یسعه الله جده
وما للذی من حادث الدهر حيلة اذا یحسبه فی الامر غالب سعه

عزیزی¹ از اکابر تابعین کوید: رأیت رأس الحسین بین یدی زیاد
و رأس الزیاد بین یدی المختار و رأس المختار بین یدی المصعب و رأس بین
یدی عبدالملك ابن مروان⁶ شعر⁵:

عیسی برمی دید یکی کشته فکنده حیران شده بگرفت بدنجان سرانگشت
کفتاکراکشتی تا کشته شدی زار فردا بکشند آنرا کامروز ترا کشت

القصة¹ درین حالات وزارت و⁷ منصب صاحب دیوانی باستقلال
تمام بر تاج الدین علیشاه جیلانی مقرر شد،

SECTION B Answer **one** of the following questions [30 marks]

- 4 Hagiographical literature had similar objectives, and used similar means, to those of historical writing, but applied to somewhat different subject matter. Discuss.
- 5 “The historian on the payroll of Tamerlane’s son records such tragedies [as the massacre of the citizens of Isfahan in 1388] as if he were talking about miracles of saints”. What does Meskoob intend by this statement?
- 6 How important were miracles in establishing the sanctity of a saint? What other aspects of their lives ensured their reputation?
- 7 Sacred biographers had to maintain a difficult balance: if they weighted their narrative too far toward the supernatural, they lost the man, but if they underemphasized the exemplary, “they ended up without their saint” (from Heffernan, p.30). How successful were the mediaeval Muslim hagiographers in maintaining this balance?

END OF PAPER